



جمال شورهچ (فیلمساز) ، ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) ، محمد کاسبی (بازیگر) ، رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

نگاهی به فیلم «کلاشینکف»

## قهرمان مملکت خودمان را می‌خواهیم!

فاطمه قاسم آبادی

قهرمان‌سازی در سینما و تلویزیون غرب، قدمت دیرینه‌ای دارد و تقریباً با شروع تاریخ سینما، اسنارتز این پروژه هم در قاب تصویر، زده شد.

از آنجایی که آمریکا و سیستم تبلیغاتی قدرتمندش هالیوود، از دیگر کشورهای جهان در زمینه صفحه جادویی جلوتر بود، پس با سبک و شکلی که می‌خواست، قهرمانان مورد نظرش را تزئین کرد و به خورد مردم دنیا داد.

قهرمانان آمریکایی در دوره‌های مختلف و با توجه به سیاست‌های روز، تغییرات شخصیتی داشتند ولی در نهایت یک سری خصلت‌های مشخص مانند وطن‌دوستی، ارجحیت قرار دادن منافع مملکتشان، شجاعت و… همیشه پای ثابت شخصیت پردازی چنین قهرمانانی بود.

به حال حاضر بیش از یک دهه می‌شود که عده‌ای از هنرمندان سینمایی جهان و در زمینه هنرمنان در سینمایی کشورهای شرقی سعی دارند، با امکانات و آزمون و خطاهای خود، تصویری از قهرمانان مملکت خودشان را به مردم‌شان ارائه کنند، چرا که با گذشت سال‌ها و دیدن جنایت‌های سربازان غربی در مملکت‌هایشان، دیگر تصویر قهرمان آمریکایی و انگلیسی که سال‌ها، تلویزیون و سینماها را قبضه کرده‌اند را، واقعی و دوست داشتنی نمی‌دانند.

فیلم «کلاشینکف» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «کنستانتین بوسلوف» محصول سال ۲۰۲۰ هم در راستای همین قهرمان‌سازی‌ها، در کشور روسیه ساخته شده است و ماجرای آن در واقع زندگی‌نامه یکی از مشهورترین اسلحه‌سازان دنیا به نام «میخائیل کلاشینکف» است.

**داستان کلاشینکف**

داستان فیلم کلاشینکف، درباره زندگی مخترع و طراح اسلحه «میخائیل تیموفویچ کلاشینکف» است، امروز به سختی می‌توان کسی را پیدا کرد که این اسم را نشناسد. با این حال، همه نمی‌دانند که او چه مسیری طولانی و خارق‌العاده را طی کرده تا در ۲۸ سالگی اسلحه افسانه‌ای AK-۴۷ را خلق کند. سلاح میخائیل در عین سادگی طراحی هوشمندانه‌ای داشت و او این سلاح را برای اولین بار به کمک دوستان و کارگران ارتشی‌اش ساخت و چون اسلحه‌اش که بعدها نام کلاشینکف را رویش گذاشت، نیاز چندانی به تمیزکاری نداشت و برد نسبتاً قابل توجهی داشت، مورد توجه قرار گرفت و بعد از مدت زمان زیادی که میخائیل صرف کرد تا ایرادات این اسلحه برطرف شود، در نهایت توانست سلاحی بسازد که در دنیا لنگه نداشت…



**مشکلاتی که با صبر و اتحاد حل شدند**

در فیلم کلاشینکف، مخاطبین می‌بینند که میخائیل با توجه به تجربه‌ای که در میدان نبرد دارد و به خاطر نیاز، به فکر ساختن اسلحه‌ای جدید می‌افتد چرا که اسلحه‌هایی که آن زمان از آنها استفاده می‌کردند، به خاطر شرایط اقلیمی روسیه و هوای بسیار سردش در زمستان، معمولاً دچار مشکل و خراب می‌شدند.

بعد از اینکه میخائیل مشکلات را می‌بیند، طرح‌هایی آماده می‌کند ولی فرمانده‌اش به خاطر چند شکست قبلی‌اش، اجازه ساخت سلاح جدید را به او نمی‌دهد و او مجبور می‌شود با واسطه قرار دادن دیگر فرماندهان، اجازه ساخت اسلحه جدیدش را بگیرد. این دیدگاه که در آن روز و فرودهای زندگی یک نخبه ارتشی را با شکست‌ها و دغدغه‌هایش نشان می‌دهد، در فیلم کلاشینکف قابل تأمل است؛ مخصوصاً که در این فیلم، نشان می‌دهد که دیگر هم قطاران و دوستان میخائیل، فقدر در جهت تحقق رویای او به میخائیل کمک می‌کنند و در حقیقت این اسلحه معروف، حاصل از خودگذشتگی و تلاش جمع زیادی از کارگران روسیه است و کارگران هم موفق شده این اسلحه را به عنوان نمادی از سخت کوشی و اتحاد ملتش به مخاطبین نشان بدهد. در فیلم مخاطبین می‌بینند که میخائیل بارها مجبور می‌شود طراحی‌اش را تغییر بدهد و نقص‌های ریز و درشت کارش را برطرف کند و هرگز در این راه امیدش را از دست نمی‌دهد و از شنیدن جواب رد دلسرد نمی‌شود و اصلاً به خاطر همین سخت‌کوشی‌اش در نهایت موفق می‌شود بر خلاف دیگر هم قطاران نخبه‌اش، طرحش را بعد از چند سال به نتیجه برساند.

**خانواده شرقی و ریشه‌های قوی**

در فیلم کلاشینکف، با اینکه اصل داستان در مورد تلاش‌های میخائیل برای ساخت اسلحه‌اش است ولی در قسمت‌های کوچکی که رابطه او با خانواده‌اش به تصویر کشیده می‌شود، مخاطبین کاملاً با یک فرد خانواده دوست، شرقی مواجه هستند. در فیلم، مخاطبین می‌بینند که میخائیل در نامه‌ای به مادرش می‌نویسد: «سلام می‌کنم به مادرم، خواهران بزرگ و کوچکم، مادر بزرگ شورا، خاله تاتینا و همه همسایگان و اقوام و آشنایانی که سرنوشتم برایشان مهم است و این نامه برایشان خوانده می‌شود!»

به تصویر کشیدن رابطه مردم روسیه در آن زمان با یکدیگر، که مخاطبین می‌بینند حتی همسایگان هم از محتویات نامه رسیده از پسر همسایه دیگرشان مطلع هستند، جالب توجه است و از نکات جذاب فیلم محسوب می‌شود.

در فیلم می‌بینیم که میخائیل همیشه جملات نامه‌هایش را با دست بوسی مادرش و ابراز علاقه به او به پایان می‌برد و این علاقه به خانواده، با وجود صحنه‌های اندکی که فیلم دارد ولی مخاطبین را کاملاً با جوان زمان و نگاه مردم روسیه به خانواده آشنا می‌کند. در فیلم کلاشینکف، شخصیت اصلی هر بار با یک اسم صدا زده می‌شود. این مطلب برای مخاطبین آشنا با ادبیات روسیه، کاملاً ملموس است چرا که می‌دانند روس‌ها برای هر شخص اسم‌های مستعار زیادی دارند. برای مثال در فیلم کلاشینکف، شخصیت میخائیل را میشنا، میشکا، میشتیا و در نهایت میخائیل صدا می‌زنند! این مطلب می‌تواند برای مخاطبینی که کتاب‌های روسی را مطالعه نکرده‌اند، گیج‌کننده باشد و در قسمت‌هایی نفهمند چه کسی چه کسی را مخاطب قرار داده است!

**برای امنیت وطنم**

پروژه قهرمان‌سازی از بزرگان هر مملکت، مدتی است که در شرق با قدرت شروع شده و مردم هم استقبال قابل قبول از این قهرمانان کرده‌اند و امید است که این روند، تا از بین بردن کامل توهمات قهرمانان پوپالی غربی ادامه پیدا کند.

در این راستا روس‌ها سعی کرده‌اند تا قهرمانان مملکتشان را در شاخه‌های متفاوت به تصویر بکشند. از این فیلم‌ها در خود روسیه استقبال خوبی شده است البته باید اضافه کرد که در سایت‌های بین‌المللی آمریکایی، این دست فیلم‌های روسی، همیشه نمرات پایینی دارند و هرگز در جشنواره‌های غربی از آنها استقبال نمی‌شود.

فیلم کلاشینکف با نقل قولی از میخائیل کلاشینکف تمام می‌شود که در آن می‌گوید:

«هدفم این بود که وطنی که در آن به دنیا آمده‌ام، در امنیت باشد»

این جمله که به خوبی مفهوم درونی‌اش را به مخاطبین می‌رساند، در انتهای فیلم به درستی جای گرفته است و مخاطبین ایرانی فیلم را ناخودآگاه به یاد شهید بزرگوار «حسن تهرانی‌مقدم» می‌اندازد چرا که او هم یک نخبه بود و به خاطر امنیت مملکتش، موشک‌هایی را طراحی کرد که نمادی از قدرت ایران و محافظ امنیت مملکتش باشند. امید است که روزی فیلم زندگی این شهید، به عنوان یک قهرمان ملی ساخته شود.

صفحه ۸

شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۰

۲۵ صفر ۱۴۴۳ – شماره ۲۲۸۵۵



جواد ارتقانی (فیلمساز) ، شهید آوینی (فیلمساز) ، مجید مجیدی (فیلمساز) ، هادی محمدیان (پویانما) ، فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز) ، ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) ، مهدی قلیه (بازیگر) ، پروانه معصومی (بازیگر) ، حسین باری (بازیگر) ، نادر میربقالی (فیلمساز) ، بروین شیخ طادی (فیلمساز) ، شهرویار بحرانی (فیلمساز)



عینا همان کاری را انجام داد که «ایده» انجام می‌داد. کاملاً هم در این چارچوب در مسیر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران حرکت کرد. این مدنظر، پرس‌تی‌وی رسالت حرفه‌ای خود به عنوان یک رسانه را به خوبی انجام داد. با این حال به نظر من همان عدم درکی که پیشتر در مورد شناخت کارگزاران دستگاه سیاست خارجی از مسئله تأثیر و نفوذ رسانه بر روند مرادوات دیپلماتیک به آن اشاره کردم، موجب شده تا برخی اساساً پرس تی وی را بازیگری اخلاکگر در معادلات دیپلماتیک کشورمان و به خصوص مذاکرات هسته‌ای از غرب در نظر بگیرند و حتی اتهامات گوناگونی را علیه آن مطرح سازند؛ امری که به نظر من کاملاً اشتباه و غلط بوده است.

**همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب به احتمال فراوان خیلی زود از سر گرفته می‌شود. به نظر شما در ادامه راه، پرس تی وی در چهارچوب دیپلماسی هسته‌ای کشورمان چه نقشی می‌تواند داشته باشد و چه کنشگری‌ای از آن در این رابطه انتظار می‌رود؟**

به نظر من روندی را که پرس تی وی همزمان با آغاز شدن مذاکرات هسته‌ای وین در پیش گرفت، رویکرد و روش خوب و مناسبی بود. همین مسیر همچنان در دولت جدید نیز باید ادامه پیدا کند. من فکر می‌کنم که مدیران و کارگزاران شبکه پرس تی وی، در مورد مذاکرات هسته‌ای کشورمان با غرب به هوشمندی و درک درستی رسیده‌اند که نتیجه آن هم عملکرد خوب و درسب آنها در چارچوب مذاکرات وین بود. آنها عملاً به عنوان رسانه حافظ منافع جمهوری اسلامی ایران و نه روابط عمومی وزارت خارجه کشورمان وارد میدان شدند. از این رو من معتقدم که پرس تی وی باید همین روند را ادامه دهد.

در عین حال، وزارت خارجه دولت جدید کشورمان نیز بایستی رویه‌های به کار گرفته شده در دولت قبل در عدم همکاری با پرس تی وی را نیز کنار بگذارد و بایستی به این درک برسد که تا حد ممکن همکاری کند و خود را

از ابزار قوی و موثر رسانه که می‌تواند در خدمت منافع ملی کشورمان باشد، بهره‌مند سازد. در این زمینه به طور خاص می‌بینیم که دولت‌های غربی چه همکاری گسترده‌ای با رسانه‌های خود دارند و عملاً از آنها به عنوان کارت بازی موثری در روند مذاکرات با ایران استفاده می‌کنند. ما نیز باید همین رویکرد را در پیش بگیریم و پرس تی‌وی را یک رسانه متعهد ایرانی است، در عرصه بین‌المللی به باوژی پیش برده منافع ملت ایران تبدیل کنیم. در این رابطه حتی باید از پرس تی‌وی به عنوان صدای موثر رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی، حمایت و پشتیبانی اقتصادی نیز انجام شود تا این شبکه بتواند با قدرت بیشتر در میدان عمل حاضر شود و رقابت با همپایان نقرتمند بین‌المللی خود و مسیر دستیابی به اهداف کشورمان را هر چندتر که شده، آسان‌تر کند.

شبکه پرس تی وی به بهترین‌وجه ممکن به تعهدات حرفه‌ای خود در قبال کشورمان و منافع ملی آن عمل کرد. در واقع، من معتقدم پرس تی وی درقالب مذاکرات مذکور



ضد انقلابی است که – اغلب – منابع و مصادران دشمنان داخلی و خارجی شناخته می‌شوند. اما آیا واقعیت‌مشکلات، دلایل، توجیهی از تغییر است؟

ایا می‌توان در نگاهی ولو غیر تخصصی و با وجود دشمنان بسیار و خیانت‌های فراوان، وضعیت ایران امروز را با دیروز پیش از انقلاب اسلامی مقایسه کرد؟ آیا می‌توان از اذقی کلان و در همه‌ساحت‌ها، امروزمان را با یک دهه پیش یکسان بدانیم یا عقب‌تر معنا کنیم؟ پیشرفت‌های پزشکی و هسته‌ای و قضایی و نظامی و صنعتی چنان مشهود است که انکار هر یک، انکار خرد و واقع نگری و انصاف است!

از این رو؛ تلقین «سباهی و نشر نومیودی و تکذیب رویدت تغییر در کشور»، برآمده از یک سناریوی حساب شده برای طغیان عمومی علیه انقلاب و نظام دینی است. در این سناریو نیز داخلی‌ها، برخی «گامانه و بعضی ناآگاهانه نقش‌آفرینی می‌کنند. در این مسیر اینان چنان گام بلند می‌زنند که گویی در مقام «همه چیز دانی»، مصدر همه مشکلات دین و نظام دینی است و لاحقاً؛ عوام‌هانش تأکید می‌کند:

«مردم به آینده و تغییر هیچ آمیدی ندارند!»

تلقین «کنون و آینده تیره و تار و نومیودی از رویداد تغییر» در قبال جمهوری اسلامی ایران، زبر تحاد تازه‌ای نیست. این گزاره بیش از چهار دهه قدمت دارد. اما امروزه، به دلیل فراوانی رسانه‌های و خرد و خرده رسانه‌ها، با حجم بیشتر پراکریسته می‌شود و واپاب پیدا کرده است.

بی‌شک نمی‌توان چشم بست و وجود برخی نارسایی‌ها و مشکلات را کتمان نمود. منتقد اصلی و صادق وضعیت موجود نیز بی‌گمان؛ مردم متدین و انقلابی هستند. مردم، بر آنند که بخش بزرگ معضلات و موانع، بر آمده از عملکردهای غیر دینی و

هم‌زمان با استتقرار دولت جدید کشورمان و کامل شدن اعضای تیم سیاست خارجی آن، گمانه‌زنی‌های مختلفی در مورد از سرگیری روند گفت‌وگوهای هسته‌ای میان ایران و غرب نیز به گوش می‌رسد. بدون تردید، گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و غرب از جمله دغدغه‌های مهم دولت جدید کشورومان به ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی است که حضور پر قدرت در چهارچوب آن، از اهمیت بسزایی برخوردار است و در نوع خود می‌تواند نقش بهتری در استیفای منافع ملی کشورمان بازی کند. در این میان امیدهای زیادی وجود دارد که دیپلماسی رسانه‌ای نیز در کنار دیپلماسی هسته‌ای کشورمان، در معادله مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب ایفای نقش کند و جمهوری اسلامی ایران نیز بتواند با حضور پُر رنگ جریان‌های رسانه‌ای خود، تا حدی از جوسازی و جنجال‌سازی‌های دولت‌های غربی علیه ایران در بچبوحه مذاکرات هسته‌ای یکپاچه و منافع ملی کشورمان را به بهترین شکل ممکن تأمین کند؛ مسئله‌ای که البته در تاریخ تقریباً ۲۰ ساله مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته و تنها همزمان با آغاز شدن مذاکرات هسته‌ای وین، به طور خاص شاهد این بودیم که برای نخستین بار، شبکه خبری پرس تی وی به عنوان یک رسانه‌ایرانی، به نحوی موثر و فعال اقدام به کنشگری نمود و سعی کرد با اطلاع‌رسانی‌های به‌موقع از طرف منابع آگاه و نزدیک به مذاکرات، تا حد زیادی رویه‌های ناعادالنه کشورهای غربی در مذاکره با کشورمان را افشاگری کند و با شفاف سازی در این رابطه، به حراست از منافع ملی ایران بپردازد.

در این راستا، محمدصادق کوشکی، استاد دانشگاه تهران و کارشناس مسائل سیاسی، در گفت‌وگو با ما، به مسئله ضرورت اتخاذ یک دیپلماسی رسانه‌ای قوی از سسوی کشورمان در قالب مذاکرات هسته‌ت‌های با غرب پرداخته و به طور خاص بر این نکته تأکید داشته‌که دولت جدید ایران به ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی، بایستی تا جای ممکن از ظرفیت‌های شبکه پرس تی وی به عنوان موثرترین تریبون رسانه‌ای ایران که بُرد بین‌المللی قابل توجهی نیز دارد، استفاده کند و در مذاکرات با غرب، خود را از این ظرفیت محروم نکند.

مشروح گفت‌وگو با محمد صادق کوشکی را در ادامه بخوانید.

**حدود دو دهه است که جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی در حال انجام مذاکرات هسته‌ای است. این مذاکرات در دوره‌ها و دولت‌های مختلف انجام شده‌اند. با این همه، یک نکته اساسی که مخصوصاً در سمت ایران و دیپلماسی هسته‌ای ما مورد غفلت واقع شده، عدم توجه به ظرفیت‌های رسانه‌ای بوده است. دلیل اصلی این مسئله را چه می‌دانید؟**

برای پاسخ به این پرسش باید چند نکته را مورد توجه قرار داد. اولاً بسیاری از رسانه‌های ما چنین جایگاهی را برای خود قابل نبودند. یعنی بسیاری از رسانه‌ها و متولیان رسانه‌ای ما درکی از نقش رسانه‌ها در عرصه دیپلماسی و مرادوات دیپلماتیک نداشته‌اند. حتی می‌توان گفت که اساساً آنها با چنین مقوله‌ای آشنا هم نبوده‌اند. در این راستا و با دیپلماسی عمومی آشنا نبودند؛ این یک مشکل از جانب خود رسانه‌های ما بوده است.

از سسوی دیگر، کارگزاران دستگاه سیاست خارجی ما هم در این زمینه مشکل داشته‌اند و متأسفانه درک درستی از جایگاه رسانه‌ها در قبال مذاکرات و تعاملات دیپلماتیک نداشته‌اند. در این راستا، برخی نخبگان سیاست خارجی ما دیپلماسی را صرفاً محدود و به‌بعد رسمی آن ارزیابی می‌کنند، دیپلماسی عمومی را تقریباً نمی‌شناسند و با مصادیق آن آشنایی ندارند. کارگرد رسانه در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز تا حد زیادی نمی‌شناسند. طبیعی است که بر اساس دو دلیل ذکر شده، در سال‌های اخیر شاهد دیپلماسی رسانه‌ای فعالی که در کنار مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب دنبال شود، از سوی کشورمان نبوده‌ایم.

**انتظار می‌رود که دور جدید مذاکرات هسته‌ای وین همزمان با روی کار آمدن دولت جدید کشورمان از سر گرفته شود. به احتمال فراوان کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا بار دیگر با دست خالی سیاسی و در عین حال جنجال‌سازی‌های رسانه‌ای فراوان علیه کشورمان وارد فضای مذاکرات خواهند شد. به نظر شما در این شرایط، پرس تی وی چگونه می‌تواند یاور دیپلماسی هسته‌ای و منافع ملی ایران باشد؟**

مؤثر ایران در فضای بین‌المللی است. به نظر من دیگر گزینه‌های بین‌المللی ما، مؤثر نتوانسته‌اند آن جایگاهی که باید و شاید را در عرصه جهانی و در بُعد بین‌المللی کسب کنند. از این رو به نظر می‌رسد که پرس تی وی یکی از ظرفیت‌های مهم ایران در برهه زمانی کنونی است که بایستی قویا جنبه‌های مختلف آن را در راستای منافع کشورمان بسیج کرد و از آنها بهره برد. این همه متأسفانه من بر این باورم که در پرس تی وی پشتیبانی کافی صورت نگرفته است. به طور خاص مثلاً من فکر می‌کنم تاکنون

کارگزاران دستگاه سیاست خارجی ما استفاده چندانی از قدرت پرس تی وی و بهره‌گیری از آن در جهت تأمین منافع کشورمان نگردند. در این زمینه من به طور خاص یونانی‌هایی همچون «جی‌رخ تا پیرخیم» اِبه نوسندگی محمد سرشار و کارگردانی رسول آذرگون و «شهر موشکی» اِبه کارگردانی رسول آذرگون و تهیه‌کنندگی میلاد حاجی پورناه» ساخته و از شبکه پویا و نهال بخش شده، به شدت برافروخته شدند و به ساخته شدن آنها انتقاد کردند. ساخت این انیمیشن‌ها را اقامی جناحی! تلقی کرده و سازندگان این دو کار را محکوم کرده بودند.

پویانمایی‌هایی همچون «جی‌رخ تا پیرخیم» اِبه نوسندگی محمد سرشار و کارگردانی رسول آذرگون و «شهر موشکی» اِبه کارگردانی رسول آذرگون و تهیه‌کنندگی میلاد حاجی پورناه» ساخته و از شبکه پویا و نهال بخش شده، به شدت برافروخته شدند و به ساخته شدن آنها انتقاد کردند. ساخت این انیمیشن‌ها را اقامی جناحی! تلقی کرده و سازندگان این دو کار را محکوم کرده بودند.

این نوع نگاه انگلیسی‌هال‌تبه‌نهاد در انیمیشن‌هایشان که حتی در سریال‌سازی‌های خودشان و حتی مستعمره بزرگ‌شان یعنی کانادا هم کاملاً جاری و ساری بوده و همچنان هست. مثلاً در هر قسمت از «قصه‌های جزیره» که داستان‌هایش در جزیره پرنس ادوارد روایت می‌شد؛ همیشه تصویر ملکه ویکتوریا – ملکه‌ای که مدعی بود خودرشید در سرزمین‌هایش غروب نمی‌کند- با روی گل‌سینه هتی

کینگ، ایلوییا با جانت و… نشان داده می‌شد و با روی دیوار پشت صحنه شخصیت‌ها به تصویر کشیده می‌شد. در ضمن از مجیزگویی خاندان سلطنتی و تعریف مداوم از خاندان‌های اعیان بریتانیایی در آن سریال که بگذریم از نگاه تحقیرآمیز سازندگان آن نسبت به ایرلندی‌ها و فرانسوه‌ها و آلمانی‌ها به این راحتی‌ها نمی‌توان گذشت…

و به همین دلیل این است که هیچ‌گاه از سوی منتقدین غربگرا، به جهت‌گیری‌های استعماری و استکباری این محصولات فرهنگی عجین‌شده با مواضع سیاسی غربی، که می‌توان ادعا کرد یکی از سیاسی‌ترین انیمیشن‌های

درحالی‌که این دو انیمیشن دو کار استراتژیک کودک با هدف دشمن‌شناسی بود.

**سیاست و سرگرمی**

یکی از انتقاداتی که جماعت غربگرا از ساخت انیمیشن‌هایی چون «شهر موشکی» می‌کردند این بود که نباید دنیای ذهنی کودکان را از طرح مسائل سیاست‌آوده نیاز عمیق آنها به داشتن قهرمانان ملّومی، و نه خیالی و توهمی داشته و دارد.

نیازی که در کنارش، ایجاد نگرش سیاسی همچون تقویت حب به وطن، دشمن‌شناسی، عدالت‌خواهی و الگوگیری از قهرمانان را برای آنها دنبال داشت… غربی که از صداوسیمای جمهوری اسلامی بارها و بارها پخش شده، انیمیشن «جیمبو» است. جیمبو جت کوچک انگلیسی که در هر قسمت کاری بزرگ برای بریتانیایی کبیر ساخت خودی انیمیشن انجام می‌دهد… در یک قسمت بابائول را به تمام مستعمره‌های انگلستان در آفریقا و آسیا و البته

**بازیگران نومید بازی نافرجام!**

بزمآن کریمنی

ضد انقلابی است که – اغلب – منابع و مصادران دشمنان داخلی و خارجی شناخته می‌شوند. اما آیا واقعیت‌مشکلات، دلایل، توجیهی از تغییر است؟ ایا می‌توان در نگاهی ولو غیر تخصصی و با وجود دشمنان بسیار و خیانت‌های فراوان، وضعیت ایران امروز را با دیروز پیش از انقلاب اسلامی مقایسه کرد؟ آیا می‌توان از اذقی کلان و در همه‌ساحت‌ها، امروزمان را با یک دهه پیش یکسان بدانیم یا عقب‌تر معنا کنیم؟ پیشرفت‌های پزشکی و هسته‌ای و قضایی و نظامی و صنعتی چنان مشهود است که انکار هر یک، انکار خرد و واقع نگری و انصاف است!

از این رو؛ تلقین «سباهی و نشر نومیودی و تکذیب رویدت تغییر در کشور»، برآمده از یک سناریوی حساب شده برای طغیان عمومی علیه انقلاب و نظام دینی است. در این سناریو نیز داخلی‌ها، برخی «گامانه و بعضی ناآگاهانه نقش‌آفرینی می‌کنند. در این مسیر اینان چنان گام بلند می‌زنند که گویی در مقام «همه چیز دانی»، مصدر همه مشکلات دین و نظام دینی است و لاحقاً؛ عوام‌هانش تأکید می‌کند:

«مردم به آینده و تغییر هیچ آمیدی ندارند!»

تلقین «کنون و آینده تیره و تار و نومیودی از رویداد تغییر» در قبال جمهوری اسلامی ایران، زبر تحاد تازه‌ای نیست. این گزاره بیش از چهار دهه قدمت دارد. اما امروزه، به دلیل فراوانی رسانه‌های و خرد و خرده رسانه‌ها، با حجم بیشتر پراکریسته می‌شود و واپاب پیدا کرده است.

بی‌شک نمی‌توان چشم بست و وجود برخی نارسایی‌ها و مشکلات را کتمان نمود. منتقد اصلی و صادق وضعیت موجود نیز بی‌گمان؛ مردم متدین و انقلابی هستند. مردم، بر آنند که بخش بزرگ معضلات و موانع، بر آمده از عملکردهای غیر دینی و